

جامعه‌شناسی مردم عربستان و ظرفیت‌های صدور انقلاب

(فرهنگ و ساخت اجتماعی و فرهنگ دینی، احزاب و گروه‌های اجتماعی و...)

محمد رضا فلاح^۱

چکیده

عربستان، کشوری است که به دلایل فراوانی برای ایران اهمیت دارد. وجود اماکن مقدس مسلمانان و شیعیان در آن سرزمین، و همچنین اشتراکات اقتصادی سبب شده است که عربستان برای ایران حایز اهمیت باشد. با این حال، مشکلات بسیاری در راه نزدیک شدن این دو کشور وجود دارد. استراتژی صدور انقلاب، در نگاه نخست، مخل به این روابط است و باعث تیره تر شدن روابط می‌شود؛ اما اگر به مضمون پیام‌های انقلاب توجه، و با شیوه‌ای درست عرضه شود، این پیام‌ها می‌تواند دو کشور را به هم نزدیک کند. زمینه‌های مختلفی در خود عربستان برای ایجاد این ارتباط وجود دارد. جمهوری اسلامی نیز ظرفیت‌های بسیاری دارد که از این زمینه‌ها استفاده کند. این مقاله کوشیده است این زمینه‌ها و آن ظرفیت‌ها را فهرست کند.

واژگان کلیدی: ایران، عربستان، صدور انقلاب، احزاب، دین، جامعه.

مقدمه

عربستان، کشوری با سابقه فرهنگی طولانی مدت و با پیچیدگی های خاص فرهنگی و اجتماعی است. تشکیل حکومت سعودی در این کشور و قدرت قابل توجه جریان وهابیت در کنار ثروت انبوه ناشی از نفت، اوضاع خاصی را در این کشور به وجود آورده است. همه این ویژگی ها، تفکرات و خط مشی های حاکم بر عربستان، موقعیتی را فراهم کرده که باید با ظرافت و تدبیر با آن روبه رو شد، و جمهوری اسلامی می تواند از استراتژی بسیار راهگشای صدور انقلاب، برای رسیدن به اهداف خود بهره گیرد. البته باید توجه داشت که صدور انقلاب، به معنای کشورگشایی نیست. امام علیه السلام در تبیین مفهوم صدور انقلاب می فرمایند:

ما اینکه می گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنای غلط را از او برداشت نکنند که ما می خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت ها فاصله گرفتند و دادند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت ها و در همه دولت ها بشود؛ آرزوی ما این است. معنای صدور انقلاب ما این است که همه ملت ها بیدار بشوند و همه دولت ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می رود و خودشان به نحو فقر زندگی می کنند، نجات بدهد.^۱

پس صدور انقلاب در واقع، یک نوع انتقال پیام است؛ بدین معنا که جمهوری اسلامی قصد دارد آموزه های اساسی انقلاب خود را به ملت های دیگر منتقل نماید. اما

۱. صحیفه امام، امام خمینی، ۱۳۸۶، ص ۲۸۱.

برای اینکه این اتفاق بیفتد، باید سه عنصر در کنار هم به درستی قرار بگیرند. این سه عنصر عبارت‌اند از: پیام، پیام‌دهنده و پیام‌گیرنده.

پیام، عبارت از مفاهیمی است که به دنبال انتقال آن هستیم. پیام‌دهنده یعنی مجموعه عناصری که کار انتقال پیام را انجام می‌دهند و پیام‌گیرنده، مخاطبانی‌اند که هدف پیام هستند؛ که در موضوع مورد بررسی ما جامعه عربستان مد نظر است.

ما در این نوشتار، به تفکیک به هریک از این سه حوزه خواهیم پرداخت و خواهیم کوشید که براساس اطلاعات موجود درباره جامعه عربستان و توانمندی‌های انقلاب اسلامی، این را اثبات کنیم که نیروهای انقلابی می‌توانند پیام انقلاب را تا درونی‌ترین لایه‌های فرهنگی عربستان نفوذ دهند.

حال پس از این مقدمه به اصل بحث می‌پردازیم.

همان‌طور که در مقدمه گفته شد، ما برای صدور انقلاب، با یک مثلث روبه‌رو

هستیم: پیام، پیام‌دهنده و پیام‌گیرنده. حال به تفکیک به این سه مقوله می‌پردازیم:

۱. پیام

مهم‌ترین ویژگی پیام‌های انقلاب اسلامی برای مردمان سایر ملل، این است که این پیام‌ها فاقد ویژگی‌های خاص ملی یا مذهبی است. این ویژگی سبب شده که این پیام‌ها قابلیت بومی‌شدن را داشته باشند؛ یعنی کسی نمی‌تواند با این استدلال که «پیام‌های صادره از سوی انقلاب اسلامی، برچسب ایرانی‌بودن یا شیعه‌بودن دارد»، آن را رد کند و از پذیرش آن سرباز زند. به عبارت دیگر پیام‌های انقلاب اسلامی، فرامذهبی و فراملی‌اند. اتحاد مسلمانان، نفی سلطه بیگانگان، توجه به شأن انسانی افراد، نفی هرگونه ظلم و تحقق عدالت، اصلی‌ترین پیام‌های فرامرزی ایران است.

۲. پیام‌گیرنده

در این نوشتار، عربستان جامعه هدف در نظر گرفته شده است که باید پیام به او منتقل شود. کلیت این جامعه، چند ویژگی دارد که عبارت‌اند از:

الف) مذهب

بیشتر مردم عربستان، تابع مذهب حنبلی هستند. مؤسس مذهب حنبلی، ابوعبدالله احمد بن محمد بن حنبل شیبانی، در سال ۱۶۴ هـ.ق، در شهر بغداد زاده شد. وی نزد قاضی ابویوسف و شافعی فقه را فراگرفت و از نظر فقهی نیز تابع وی بود؛ اما بعد از وی جدا شد و مذهب جدیدی را در فقه پی نهاد. بنیادهای این فقه بر پنج اصل استوار بود: کتاب الله، سنت رسول الله ﷺ، فتاوی صحابه پیامبر ﷺ، گفته برخی از صحابی که با قرآن سازگار می‌نمود و تمام احادیث ضعیف. ابن حنبل در سال ۲۴۱ هـ.ق در بغداد درگذشت.

احمد بن حنبل، سنت را حاکم بر قرآن می‌دانست و در فتاوی خود بر احادیث و فتاوی صحابی تکیه می‌کرد. او طبق «مصلحت» فتوا نمی‌داد. آن‌گاه که نصی را رودرروی آن می‌یافت، براساس آن عمل می‌کرد و هرگاه هم نصی را در برابر مصلحت نمی‌دید، آن را مبنای حکم قرار می‌داد.^۱

احمد، حدیث مرسل و ضعیف را معتبر می‌دانست و آن را بر قیاس برتری می‌داد و کاربرد قیاس نزد او فقط در زمان ضرورت روا بود.^۲

این مذهب با رویکرد ابن تیمیه و بعدها محمد بن عبدالوهاب موجب پدیدآمدن فرقه وهابیت در عربستان سعودی گردید و اکنون بیشتر مردمان عربستان، پیرو وهابیت هستند. با توجه به نکاتی که در مورد مذهب حنبلی وجود دارد، از چند منظر می‌توان

۱. ره‌توشه حج، لاهیجی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶.

۲. فتاوی، هیئت کبار العلماء، بی‌تا، ص ۲۴۹.

اهداف صدور انقلاب را تحقق بخشید. توجه به حدیث، سیره سلف و توجه به مصلحت، اموری هستند که برای هدف ما مناسب‌اند.

اهمیت این موارد از این لحاظ است که احادیث و سیره سلف، طوری هستند که می‌توان از آنها برای اثبات سخن خویش نیز استفاده کرد؛ یعنی گاه در میان احادیث و سیره سلف می‌توان مواردی را یافت که برای دو نظر مختلف، امکان استفاده از آن وجود دارد؛ البته بزرگان، از این شیوه در مباحث اعتقادی بهره گرفته‌اند. برای مثال می‌توان به نامه‌نگاری میان آیت‌الله تسخیری و بن باز اشاره کرد که طرفین تکیه مباحث و استدلال‌ات خود را روی سیره سلف و حدیث گذاشته‌اند. اما تا کنون در آموزه‌های انقلاب، چنین کاری به صورت گسترده انجام نشده و اگر هم صورت پذیرفته، محدود بوده است. کمترین ثمره پرداختن به مفاهیم انقلاب از زاویه حدیث و سیره سلف، این است که شائبه ضددینی بودن این مفاهیم از بین می‌رود و می‌توان از آنها به عنوان آموزه‌هایی که مستند دینی دارند، یاد کرد و مطرح نمود.

نکته دیگری که در مذهب حنبلی درخور توجه است، همان موضوع توجه به مصلحت است. مصلحت، مفهوم گسترده‌ای دارد و بسیاری از مسائل تحت عنوان مصلحت قابل طرح هستند. مفاهیمی مانند وحدت مسلمانان یا نفی ظلم و نظام سلطه، مفاهیمی اند که ذیل مفهوم مصلحت قابل توجیه، تفسیر و دفاع هستند. برای مثال حضرت امام در پیامی، اخلال به وحدت را امری مضر برای وحدت برمی‌شمارند. ایشان می‌فرمایند:

از مسائلی که طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسلمین طرح و عمال استعمارگران در تبلیغ آن به‌پا خاسته‌اند، قومیت و ملیت است؛ و در ایران نیز دستجات محدودی دانسته یا ندانسته آن را ترویج و تأیید می‌کنند، و در سایر نقاط از تُرک و کُرد و دیگر طوایف هم همان راه را پیش گرفته‌اند و مسلمانان را در مقابل هم قرار داده‌اند

و حتی به دشمنی کشیده‌اند؛ غافل از آنکه حب وطن، حب اهل وطن و حفظ حدود کشور مسئله‌ای است که در آن حرفی نیست؛ و ملی‌گرایی در مقابل ملت‌های مسلمان دیگر، مسئله دیگری است که اسلام و قرآن کریم و دستور نبی اکرم صلی الله علیه و آله برخلاف آن است؛ و آن ملی‌گرایی که به دشمنی بین مسلمین و شکاف در صفوف مؤمنین منجر می‌شود، برخلاف اسلام و مصلحت مسلمین، و از حیل‌های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می‌برند.^۱

به نظر می‌رسد توجه به فقه و مبانی اصولی فقه حنبلی و استخراج مواردی که می‌توان برای تحقق هدف از آن استفاده نمود، باید در اولویت قرار بگیرد.

ب) نقش پررنگ عالمان دینی در عربستان

پیوند دین با سیاست، در نظام حاکم بر عربستان، ریشه‌ای تاریخی دارد که سرآغازش به قرن دوازدهم، یعنی دوره شکل‌گیری حکومت آل سعود برمی‌گردد. در آن زمان، محمد بن عبدالوهاب، بنیانگذار وهابیت که به دلیل تعالیمش مجبور شده بود از عیینه خارج شود، به ناچار به درعیه گریخت. امیر درعیه، محمد بن سعود، وجود شیخ را وسیله مناسبی برای دست‌اندازی به شهرهای همسایه و امتداد قدرت در نجد یافت. او به دیدار شیخ رفت و به تشویق همسرش (موضی) پیمانی با او منعقد کرد که خود و جانشینانش، پیوسته حامی و مبلغ مذهب وهابی باشند. شیخ نیز از سوی خود و اعقابش قول داد که هرگز دست از یاری و پشتیبانی سعودیان برندارند و بدین ترتیب، خاندان روحانی پر قدرتی با نام خاندان آل‌الشیخ در کنار خاندان سعودی در عربستان رشد کرد و امروزه رژیم عربستان، ثروت و امکانات گسترده‌ای را در اختیار این خاندان، برای فعالیت‌های دینی قرار داده است. هرچند بعضاً خود حکومت نیز با رفتارهای آنان

۱. صحیفه امام، ص ۲۰۹.

مخالف است و اقداماتی را نیز در طول سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، برای محدود ساختن این گروه و حداقل نشان دادن مخالفت خود با این گروه انجام داده است.

خاندان آل‌الشیخ، علاوه بر دراختیار داشتن پست مفتی اعظم و ریاست بر هیئت کبار العلما و کمیته پژوهش‌های علمی و افتا که مسئولیت نظریه‌پردازی‌های خرد و کلان دینی را در جامعه عربستان بر عهده دارد، تا حدود زیادی سمت نظارت بر اجرای احکام دینی را نیز بر دوش دارد. این مأموریت را ادارات شئون دینی در نهادهای حکومتی و هیئت امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه انجام می‌دهند. مسئولیت وزارتخانه‌های دادگستری، وزارت حج و شئون اسلامی و وزارت اوقاف، دعوت و ارشاد نیز با این خاندان است؛ یا نظر آنان در انتخاب وزرای این سه وزارتخانه، اثرگذار است.

خاندان آل‌الشیخ علاوه بر این فعالیت‌های اجرایی - نظارتی و سیاست‌گذاری، در جهت تحکیم پایه‌های وهابیت و گسترش آن، فعالیت‌های تبلیغی گسترده‌ای را نیز در داخل و خارج عربستان، به‌وسیله مؤسسات و مراکز بسیاری انجام می‌دهد که در این میان، رابطه العالم الاسلامی، تقریباً نقش محوری و مهمی را در ایجاد و هماهنگی بین این مؤسسات بر عهده دارد.

فعالیت‌های آموزشی و تلاش برای کادرسازی و تربیت روحانیون وهابی، بخشی دیگر از اقدامات این خاندان است.

پس به‌طور کلی می‌توان گفت که خاندان آل‌الشیخ، چهار مأموریت را برای خود تعریف کرده، با تمام توان برای انجام آن می‌کوشد:

۱. نظریه‌پردازی خرد و کلان در چارچوب تفکرات سلفی و وهابی؛

۲. تصدی پست های کلان قضایی و اجرایی در حوزه دین و نظارت بر اجرای احکام دینی در سطح جامعه؛
۳. فعالیت های تبلیغی؛
۴. آموزش و کادرسازی.

گذشته از خاندان آل شیخ که جریان جامیه را درون وهابیت شکل می دهند، جریان های دیگر وهابی نیز چون جریان اخوانی، قطبی و نوسلفی نیز هستند که هرچند با جریان آل شیخ در تضاد و تعارض اند، به محمد بن عبدالوهاب و آموزه های وی وفادارند و در افکار آنان ظاهرگرایی وجود دارد. با این حال در عربستان، عالمان دیگری نیز هستند که هرچند سنی مذهب اند، در تعالیم خویش می کوشند برخلاف رویه افراطی ظاهرگرایی وهابیت، بر جنبه های معنوی و عرفانی دین تأکید نمایند، و اتفاقاً این آموزه ها در عربستان طرف داران بسیاری دارد. نمونه این عالمان، دکتر سید محمد بن علوی المالکی^۱ است، و جالب اینکه مجالس وی در عربستان، طرف داران بسیاری داشت.

۱. این عالم اصالتاً سعودی، دکترای خود را از دانشگاه الازهر دریافت کرد. وی در سال ۱۳۹۰ استاد و مدرس رسمی در دانشکده شریعت تعیین شد و مدتی نیز رییس کمیسیون داورى مسابقات بین المللی قرآن کریم در شهر مکه بود. او در یک مبارزه علمی با وهابیان تندر، به برداشت های نادرست آنها از مفاهیم دینی خط بطلان کشید و با براهین عقلی و نقلی مستند به منابع اهل تسنن، مفاهیم صحیح دینی را تبیین کرد.

آقای محمد بن علوی، بیش از شصت کتاب و جزوه تألیف کرده، که دو کتاب او، با نام های «الذخائر المحمدیه» و «مفاهیم یجب أن تصحح» در ردّ عقاید وهابیان تندر و به نگارش در آمده است. وهابیان در واکنش به آنها، کتب زیادی؛ مانند «کمال الأمة و حوار مع المالکی» و «ضدّ السید المالکی» و «جلاء البصائر» نوشتند که اوج این نوشته ها کتاب وزیر اوقاف عربستان شیخ صالح آل الشیخ به نام «هذه مفاهیمنا» است.

سپس مجمع علمای عربستان، در بیانیه ای از او خواست که در حضور ایشان، از نوشته های کفرآمیز و بدعت گذار خود توبه کند و آن توبه نامه از تلویزیون پخش شود؛ لیکن آقای محمد بن علوی در پاسخ، آنان را به مناظره تلویزیونی دعوت کرد که بی پاسخ ماند.

تا اینکه در سال ۱۴۰۱ آقای محمد بن علوی از سوی مجمع علمای عربستان تفسیق و تکفیر شد و هرگونه فعالیت علمی و تبلیغی او ممنوع شد و کتب او از کتابخانه ها جمع آوری گردید و منزل و مسافرت های او تحت کنترل درآمد.

وجود چنین فضایی فرصت‌های خوبی را در اختیار انقلاب قرار می‌دهد؛ یعنی هم می‌توان با توجه به بازخورد منفی رفتارها و دیدگاه‌های افراطی و خشک آل شیخ در حوزه زنان، ارتباطات و ابعاد روحانی و عرفانی دین، فرصت مناسبی را برای انتقال مفاهیم رحمانی شیعه و انقلاب فراهم کرد و هم می‌توان از ظرفیت عالمان سعودی غیروابسته به جریان وهابیت استفاده کرد.

البته می‌توان با بدنه عالمان و مبلغان وهابی نیز با هدف خارج کردن آنان از جریان آل شیخ و وارد کردن آنان به جریان نوسلفی که نگاه معتدلی به شیعه دارند و با دیدگاه‌های افراطی و تکفیری مخالف‌اند، ایجاد ارتباط و تعامل نمود. این ارتباط هم با تماس‌های تلفنی، ارسال ایمیل، ارسال نماز و حتی گفت‌وگوهای رودررو در مناسبت‌های مختلف می‌تواند محقق شود.

ج) ساختار قبیله‌ای

قبیله در عربستان، نقش پررنگی دارد و حتی پایه بسیاری از مناسبات قدرت در این کشور، مبتنی بر روابط قبیله‌ای است. قدرت قبایل، به صورت رسمی نبوده و قانون مدون ندارد، اما به مثابه یک عامل بسیار مهم در جناح‌بندی‌های درون حاکمیت و حتی درون خاندان سعود، جلوه‌گر شده است. این وابستگی به قبیله، حتی در خاندان سلطنتی نیز مؤثر بوده است.

اگر بخواهیم نگاهی کلی داشته باشیم، قبایل مهم و اصلی عربستان امروز که به

اما او در محاصره، به فعالیت‌هایش ادامه داد. سرانجام، نویسنده در روز جمعه، هشتم ماه مبارک رمضان ۱۴۲۵ دار فانی را وداع گفت و در قبرستان ابوطالب به خاک سپرده شد.

نکته قابل توجه این است که وقتی وی از دنیا رفت، صدها هزار نفر در مراسم تشییع وی از مسجدالحرام تا جنة النعلاء شرکت کردند و امیر عبدالله همراه دکتر عبده یمانی وزیر اسبق وزارت اعلام عربستان در منزل آن مرحوم حضور یافتند که مایه نگرانی علمای وهابی شد.

واسطه جمعیت زیاد خود در عرصه حیات سیاسی کشور ایفای نقش می‌کنند، عبارت‌اند از عنیزه، بنی‌خالد، بنی‌حرب، آل مره، بنی‌مطیر، قحطان، شمر و عتیبه. به علاوه حداقل پانزده قبیله کوچک‌تر نیز وجود دارند که مهم‌ترین این طوایف به لحاظ سیاسی، طایفه شهرنشین قریش در حجاز است که به لحاظ انتساب به رسول اکرم ﷺ و سوابق تاریخی خود، از اعتبار خاصی برخوردار است. گارد ملی عربستان، اکثر افراد خود را از میان قبایل برمی‌گزیند و سازمان‌دهی واحدهای آن، بر مبنای تقسیمات قبیله‌ای افراد است. در مجموع، عربستان را می‌توان از لحاظ تقسیمات قومی و قبیله‌ای به چهار منطقه تقسیم کرد. این مناطق، به ترتیب میزان نقش اهالی آنها در مراکز قدرت عربستان عبارت‌اند از:

یک - منطقه نجد و قبایل آن که در مرکز عربستان است و خاندان سعودی هم از همین منطقه‌اند.

دو- منطقه حجاز و طوایف آن که اهالی شهرهای مکه، مدینه، طایف و جدّه را در برمی‌گیرد. حجازی‌ها حضور چندانی در ارکان دولتی عربستان سعودی ندارند. سه - منطقه شیعه‌نشین عربستان که منطقه شرقی عربستان است. شیعیان از بدو تأسیس حکومت سعودی، به لحاظ گرایش شدید و افراطی این حکومت به وهابیت، تحت فشارهای شدید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته‌اند و هیچ‌گونه ابزاری برای ورود به سلسله مراتب قدرت در اختیار ندارند.

چهار- مناطق کوهستانی جنوب غرب عربستان و مجاور مرزهای یمن که شیعیان اسماعیلیه ساکن آن هستند و از نظر جمعیتی در اقلیت‌اند.

پادشاه و شاهزادگان تراز اول سعودی، معمولاً در اتخاذ تصمیماتی که بر سیاست ملی اثرگذار است، از سران قبایل نظرخواهی نمی‌کنند. به هر حال، نظرات آنان در

تصمیمات حکومتی، خصوصاً تصمیماتی که به مناطق مربوط می‌شود، تأثیر دارد. غیر از طوایف و قبایل بدوی، خاندان‌هایی بزرگ و ریشه‌دار که از دیرباز و به صورت سنتی به پیشینه بازرگانی و تجارت اشتغال دارند نیز هستند که جایگاه نسبتاً بااهمیتی در مراحل غیررسمی سیاست‌گذاری در حکومت عربستان دارند. این خاندان‌ها که ثروتمندان حتی گاهی به ثروت خاندان سلطنتی تنه می‌زند، عبارت‌اند از اباخشاب، القصبی، جمجوم، جفالی، کاکي، نصیف، علیان، الراجحی، آل سلیمان و بن لادن.

در زمان حکومت درازمدت ملک عبدالعزیز، خاندان حاکم، برای رفع تنگناهای مالی به این خاندان‌ها متکی بود؛ اما پس از آن که نفت به عنوان یک منبع ثابت، قابل اتکا و سرشار درآمد مطرح گردید، نوع مناسبات خاندان سلطنتی و خانواده‌های بازرگان تغییر کرد. در واقع، این خانواده‌ها مورد نیاز پادشاه نبودند؛ اما به دلیل الطافی که پیش‌تر در حق خانواده سلطنتی کرده بودند، از مزایای خاصی نظیر قراردادهای ترجیحی و مقاطعه‌کاری‌های سازندگی برخوردار شدند و پاداش خود را گرفتند. پس از شکوفایی اقتصادی عربستان بر مبنای نفت در سال ۱۹۷۳ غیر از خانواده‌های پیش‌گفته، خانواده‌های ثروتمند جدیدی نیز در عرصه اقتصاد عربستان ظاهر شدند که از این زمره می‌توان به خانواده کامل، خاشقچی و عجه اشاره کرد.

فرزندان ملک عبدالعزیز نیز پس از پدر خود، همچنان به مشورت و رایزنی با سران این خانواده‌های ثروتمند در امور مملکتی ادامه دادند، و اعضای این خانواده‌ها را در مشاغل مهم دولتی، مثل شورای وزیران و پست‌های دیپلماتیک به کار می‌گمارند.^۱ البته باید توجه داشت که توجه خاندان سعودی به قبایل، صرفاً از روی قدرشناسی نیست و گاهی با هدف جلوگیری از بحران‌های اجتماعی صورت می‌گیرد.

۱. حکومت، جامعه و اقتصاد در عربستان سعودی، تیم نیبلاک، ۱۹۸۲، ص ۲۴.

توجه به این نکته در مواجهه با عربستان، برای فعالان عرصه صدور انقلاب ضروری است؛ چراکه بزرگان قبیله در عربستان از یک سو با دولت در ارتباط اند و از سوی دیگر رهبری جمعیت بسیاری را بر عهده دارند. ایجاد تعامل و ارتباط با بزرگان قبایل، می تواند بسیار مفید باشد.

نقطه آغاز این ارتباط می تواند فعالیت های اقتصادی باشد. تعاملات اقتصادی با بزرگان قبایل و دعوت از آنان برای مشارکت در طرح های سودآور اقتصادی و کلاً هرگونه دادوستد اقتصادی با این افراد، نقطه شروع خوبی خواهد بود. فعالان حوزه صدور انقلاب می توانند از ظرفیت متخصصان و فعالان اقتصادی ایرانی که وارد تعامل اقتصادی با بزرگان قبایل شدند، بهره ببرند و از این طریق به داخل قبایل نفوذ کنند و فعالیت فرهنگی مطلوب خویش را انجام دهند. اقتصاد می تواند کلید نفوذ در قبایل باشد.

د) خاندان سعودی

از ویژگی های جامعه سعودی، تسلط یک خاندان بر این کشور است؛ خاندانی گسترده که جمعیتی نزدیک به ۲۰۰۰۰۰ نفر را دربر می گیرد. خاندان سعودی یک دست نیست؛ چراکه درون خاندان سلطنتی با چهار گروه روبه رو هستیم که البته این جناح بندی بیشتر ریشه قبیله ای دارد. اصلی ترین خانواده آل سعود، آل فیصل است. اینان نوادگان عبدالعزیز، پدربزرگ فیصل بن ترکی هستند و تعداد اعضای آن بیش از چهار هزار نفر است. مشکل این خانواده آن است که یکی از افراد اصلی، یعنی عبدالعزیز، همسران زیادی اختیار کرد که از هر یک از این همسران، فرزندان متولد شد. از این زمان به بعد در خانواده آل فیصل، اصطلاح برادران تنی و ناتنی شکل گرفت و این سرچشمه بسیاری از اختلافات درون خانوادگی شد.

از زمان به قدرت رسیدن فهد در سال ۱۹۸۲، بانفوذترین شاخه آل فیصل، آل سدیری است.

خاندان آل فیصل، مهم‌ترین خاندان در خانواده آل سعود به شمار می‌آید و در خاندان آل فیصل نیز مهم‌ترین خانواده، خانواده سدیری است. دومین خاندان مهم آل سعود، آل ثنایان است. آل ثنایان به این دلیل که از متحدان نزدیک آل سدیری هستند، از جایگاه مهمی در ساختار سیاسی عربستان برخوردارند. این اتحاد و نزدیکی بدان علت است که فیصل بن ترکی، همسر خود را از آل ثنایان اختیار کرده بود. برخلاف خاندان آل فیصل که قدرت سیاسی و نظامی عربستان را در اختیار دارند، آل ثنایان جزء شاخه غیرنظامی آل سعود محسوب می‌شوند. آل ثنایان بخش دیگری از قدرت خود را از همبستگی سببی با خاندان شیخ‌العمما اخذ می‌کند؛ زیرا این دو قبیله با یکدیگر ازدواج بین‌قبایلی زیادی صورت داده‌اند و خاندان شیخ‌العمما در عربستان نیز صاحب نفوذ است.

سومین خاندان بانفوذ در خانواده آل سعود، خاندان آل جیلاوی است. اینان از نسل برادر فیصل بن ترکی، پدر بزرگ عبدالعزیز هستند.

چهارمین خاندان درون آل سعود، آل کبیر نام دارد. اینان برخلاف آل سدیری، آل ثنایان و آل جیلاوی که از نوادگان عبدالعزیز بودند، از نسل اولین عموزاده عبدالعزیز به نام سعود آل کبیر بودند. شاید به همین دلیل باشد که اصولاً شاهدگان این خانواده هیچ‌گاه در ردیف نامزدی برای سمت جانشینی پادشاه قرار نگرفتند.^۱

هـ) احزاب سعودی

احزاب در عربستان، به مفهوم رایجش فعالیت ندارند؛ اما جریان‌ات مذهبی و غیرمذهبی زیادی در جامعه عربستان وجود دارند. به‌طور خاص دو نوع گرایش لیبرال

۱. ر.ک: ساختار سیاسی قدرت در عربستان سعودی: دورنمای تحولات، کامران کریمی، ۱۳۸۹.

در عربستان وجود دارد:

(الف) لیبرال‌های درون‌خاندان حاکم؛

(ب) لیبرال‌های بیرون‌حاکمیت که خواستار تغییر ساختار حکومت هستند. مهم‌ترین رسانه این جریان، سایت اللیبرالیه فی السعودیه است. در کنار این جریان‌های لیبرال، جریان‌های مذهبی نیز در عربستان حضور گسترده‌ای دارند. به‌طور کلی می‌توان رویکردهای موجود را به دو دسته کلی سنی و شیعی تقسیم کرد که درون هر گروه، به‌ویژه در جامعه اهل سنت، جنبش‌هایی با گونه‌های مختلفی وجود دارند که در ادامه، به آنها اشاره می‌گردد.

یک - اسلام‌گرایان سنی

اسلام‌گرایان اهل سنت، طیف گسترده‌ای را شامل می‌شوند که تقسیم آنها به سنت‌گرایان میانه‌روها و اصلاح‌طلبان، معترضین و نهایتاً جهادیون، گویا و معتبرتر است که می‌تواند از جامعیت نیز برخوردار باشد. این گروه‌ها از نهادهای وابسته به دولت تا جهاد علیه دولت را شامل می‌شوند که در ادامه این تقسیم‌بندی مطرح شده است.

اول - سنت‌گرا

منظور از اسلام‌گرایان سنتی یا وهابیت حکومتی یا وهابیت علمی، همان وهابیت مرسوم تاریخی است که تحت عنوان وهابیت کلاسیک شناخته می‌شود. این جریان اصلی، از زمان محمد بن عبدالوهاب آغاز شد و زمینه شکل‌گیری سایر شاخه‌های وهابی را فراهم کرد. از پایگاه‌های اصلی این بخش از وهابیت، می‌توان به هیئت کبارالعلما و سازمان امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد.^۱

۱. برآورد استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی - سیاسی)، نجف زراعت پیشه، ص ۲۰۰.

دوم - میانه‌رو و اصلاح‌گرا

اسلام‌گرایان میانه‌رو و از سوی دیگر اصلاح‌گرا شامل گروه‌هایی است که در ساختار سازمانی خود معتقد به رویه‌های معتدل در مواجهه با مسائل اجتماعی و حکومت هستند. به‌خصوص پس از آنکه دولت، در دهه‌های ۷۰ تا ۹۰ میلادی آنها را سرکوب کرد، مشی اعتراضی خود را به مشی گفت‌وگو و چانه‌زنی تبدیل کرده‌اند. جنبش‌هایی مانند الصحوه الاسلامیه با محوریت افرادی مانند سلمان العوده^۱، سفر الحوالی^۲، عائض القرنی^۳ و ناصر العمر^۴ و^۵ جماعه الدعوة با تأکید بر شعار: «ما نمی‌توانیم تنها از طریق خواندن قرآن و تاریخ در این رژیم‌های ضعیف، خود را نیرومند کنیم، بلکه مطالعه علم، و استفاده از تکنولوژی غرب علیه غرب نیز لازم است»^۶ و

۱. دکتر سلمان بن فهد بن عبدالله العوده (۱۹۵۶) از عالمان سعودی، امضاکننده بیانیه مطالبات (ایجاد تغییرات در سیاست‌های حکومت در چارچوب اسلام) است. وی علیه سیاست کشورش، در جریان جنگ دوم خلیج فارس، موضع گرفت و مدتی نیز به دلیل اظهارنظرهای سیاسی، در یکی از بازداشتگاه‌های زندانیان سیاسی حبس شد. او هم‌اکنون در چندین روزنامه عربستان مطلب می‌نویسد و سایت <http://www.islamtoday.net> زیر نظر او اداره می‌شود.

۲. دکتر سفر بن عبدالرحمن الحوالی الغامدی (۱۹۵۵) از عالمان سعودی امضاکننده بیانیه مطالبات است. وی علیه سیاست کشورش در جریان جنگ دوم خلیج فارس موضع گرفت. او نیز مدتی را در زندان گذرانده است. از او کتاب‌های فراوانی در مورد سیاست خارجی آمریکا در قبال کشورهای اسلامی منتشر شده است.

۳. عائض بن عبدالله بن عائض القرنی (۱۹۵۹) از عالمان سعودی امضاکننده بیانیه مطالبات است. وی علیه سیاست کشورش در جریان جنگ دوم خلیج فارس موضع گرفت. او نیز مدتی را در زندان گذرانده است. او از افرادی است که در شبکه‌های ماهواره‌ای مانند الرساله و اقرأ حضور فعال دارد. کتاب‌های بسیاری نیز از وی منتشر شده است. همه آثار وی در پایگاه رسمی وی به آدرس <http://www.algame.com/> قابل دسترسی است.

۴. ناصر بن سلیمان بن محمد العمر (۱۹۵۲) از عالمان سعودی امضاکننده بیانیه مطالبات است. از وی کتاب‌های فراوانی منتشر شده است.

۵. زمن الصحوه: الحركات الاسلاميه المعاصره فی السعودیه، استیفان لاکروا، الترجمه باشراف، عبدالحق الزموری، ۲۰۱۲، ص ۷۴.

۶. تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ۱۳۸۰، ص ۶۵.

همچنین کمیته دفاع از حقوق مدنی و جنبش اصلاح اسلامی (با تأکید بر اجتناب از شیوه‌های خشن و تکیه بر تبلیغات)^۱ ذیل این عنوان قرار می‌گیرند.

سوم - معترض

اسلام‌گرایان معترضه که بعضی اوقات به عنوان نوسلفی‌ها مطرح می‌گردند، بر مسائل مربوط به سرنوشت فردی، اخلاقیات و اعمال و مراسم عبادی و دینی که در تقابل با امور سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی اند، تمرکز می‌کنند و با مفهوم ملت - کشور مخالف‌اند و به دنبال نه تنها تعدیل، بلکه از بین بردن آن هستند. معترضین، همه از آموزش رسمی اجتناب می‌کنند و همه‌جا در پی آموزش دینی‌اند.

جنبش جماعة السلفية المحتسبه^۲، متأثر از دیدگاه‌های ناصرالدین الألبانی^۳ (۱۹۹۹-۱۹۰۹) یکی از این گروه‌هاست که در دهه هفتاد قرن بیستم پدید آمد؛ اما به علت افراطی بودن شدید، محو شد؛ تا اینکه در دهه نود قرن بیستم، باز به صحنه برگشت. پیروان این جنبش، این بار نام خود را طالبان علوم دینی نهادند.

۱. ساختار حکومت و بحران مشروعیت در عربستان سعودی، حسن گلیوند درویش‌وند، ۱۳۷۶، ص ۱۷۲.
۲. الجماعة السلفية المحتسبة در میانه دهه هفتاد قرن بیستم، در مدینه منوره، با تلاش جهیمان العتیبی، سلیمان بن شتیوی، ناصر الحری و سعد التیمی که متأثر از اندیشه‌های البانی بودند، به وجود آمد. این جماعت با رد تمام مذاهب فقهی از جمله وهابیت، خود را ملتزم به حدیث نبوی به عنوان تنها مصدر حقایق دینی می‌دانست. اختلاف این گروه با وهابیت در آغاز بر سر مسائل مربوط به عبادات بود. اما در گذر زمان تبدیل به یک جنبش سیاسی اجتماعی شد. اما آنچه بیش از هر چیز دیگری این گروه را معروف کرد، اشغال مسجدالحرام توسط این گروه در سال ۱۹۷۹ و بیعت اعضای این گروه با یک مهدی دروغین بود. غائله این گروه با دخالت نیروهای آل سعود پایان یافت.
۳. محمد ناصرالدین البانی سال ۱۹۰۹م، در شهر «آشکو دره»، پایتخت حکومت آلبانی به دنیا آمد. او در سن نه سالگی به همراه خانواده‌اش به دمشق رفت و تعالیم مذهب حنفی را در آن شهر فراگرفت. مطالعه آثار ابن تیمیه سبب شد که وی سخنانی تحریک‌آمیز بگوید و همین باعث شد که وی در سوریه زندانی گردد. او پس از زندان، از سوریه خارج شد و پس از سفر به چندین کشور اسلامی، سرانجام در مدینه منوره سکنا گزید. او در مورد حدیث و مسائل دینی، دیدگاه‌های خاصی داشت و این دیدگاه‌ها او را در بین وهابیت، فردی موجه کرده بود. وی در سال ۱۹۹۹ از دنیا رفت.

آنان با کناره‌گیری از مساجد و دانشگاه‌ها، در منازل خود گروه‌های مطالعات دینی تشکیل دادند. اگرچه آنان نوعاً در ریاض، و اغلب در آپارتمان‌های مشترک زندگی می‌کردند، به دلایل علمی، خود را از جامعه‌ای که آن را به گناه آلوده می‌دانستند، کنار کشیده بودند. آنان دولت را غیرمشروع، جنبش صحوة الاسلامیه را متمایل به سیاست، و جهادی‌ها را غافل از امور دینی می‌دانستند.^۱

گروه دیگری که ذیل این عنوان جای می‌گیرد، اخوان المسلمین است که متعلق به جامعه اصول‌گرایی اهل سنت است و اهداف اخوان المسلمین مصر را دنبال می‌کند. حکومت عربستان، به سبب تعارضاتی که با نظام ناصری داشت و با هدف استفاده از ظرفیت اخوان به بهانه سلاحی علیه همسایگان بعثی و ناصری خود و همچنین استفاده از دانش اعضای اخوانی که بیشترشان تحصیل کرده بودند، به آنان در این کشور اجازه فعالیت و حضور داد.^۲ زیرمجموعه دیگر، گروه اخوان است که با اخوان المسلمین تفاوت دارد. این گروه ریشه سعودی دارد و اغلب اعضای آن از جوانان تحصیل کرده و شهرنشین اند و در نتیجه، در معرض تأثیر و نفوذ غرب‌گرایی قرار می‌باشند. اما یک ویژگی برجسته آنان، بنیادگرایی اصیل آنهاست. آنان خواستار بازگشت قطعی و سازش‌ناپذیر به قرآن و سنت هستند.^۳

چهارم - جهادی

سلفیه جهادی^۴، نسبتاً پدیده سیاسی جدیدی است. ریشه‌های آن را می‌توان در

۱. اصلاحات سیاسی در عربستان، مترجم حسن یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹.

۲. الاخوان المسلمون فی الخلیج، گروه نویسندگان، ۲۰۱۲، ص ۸.

۳. منظمه الثورة الاسلامیه فی الجزیره العربیه، مترجم شاکر کسرائی، ۱۳۶۰، ص ۴۶.

۴. سلفیه جهادی، اصطلاحی است که در سال‌های پایانی دهه هشتاد قرن بیستم به وجود آمد. این جریان فکری، که خود را تابع شیوه سلف مسلمین می‌دانست، بر این باور بود که جهاد از ارکان شیوه سلف، و واجب عینی بر یکایک مسلمانان علیه دشمن اشغالگر و هر حکومتی است که شریعت اسلامی را تغییر دهد و براساس قوانین خودساخته حکومت کند یا خیلی ظالم باشد. آنان طرف‌دار جهاد مسلحانه هستند و معتقدند که تغییر اوضاع با استفاده از قوه قهریه، مناسب‌ترین به

خیزش پان‌اسلام‌گرایی افراطی در عربستان سعودی در دهه ۱۹۸۰ و مشارکت هزاران سعودی در جنگ افغانستان علیه اتحاد شوروی ردیابی کرد، که رژیم سعودی در آن زمان، آن خیزش را مورد تشویق قرار می‌داد و امور آنها را تسهیل می‌نمود. علاوه بر کمک های لجستیکی و مالی که دولت به مجاهدین آینده می‌کرد، نهاد دینی رسمی هم، جنگ در افغانستان را یک تکلیف جمعی برای مسلمانان اعلام نمود. القاعده نیز در همین فضا به وجود آمد و رشد کرد.^۱

ب) و صحیح‌ترین راه برای آزادی و حاکم کردن شریعت و تصحیح ساختارهای دینی، اجتماعی و سیاسی جامعه است. بنیان‌های اولیه نظری این اصطلاح را سید قطب، سپس عاصم عبدالماجد و عصام‌الدین درباله و ناچ ابراهیم پایه‌گذاری کردند. اما این اصطلاح را نخستین بار عبدالله عزام در سال ۱۹۸۷ به کار برد.

از نقاط مهم در تاریخ این حرکت، جنگ دوم خلیج فارس است؛ زیرا در آن برهه، حکومت آل سعود، از نیروهای خارجی تقاضا کرد برای مقابله با صدام وارد منطقه شوند. این تصمیم، یعنی کمک گرفتن از یک حکومت کافر برای جنگ با یک دولت اسلامی، که واکنش گسترده‌ای را در محافل دینی عربستان ایجاد کرد. حکومت سعودی برای پایان‌دادن به این بحران، از هیئت کبارالعلماء خواست با صدور فتوایی به این کار حکومت، شریعت بدهد؛ اما اختلاف نظر، در میان اعضای آن هیئت نیز وجود داشت و همین امر باعث شد که این هیئت نتواند نظر یکسانی بدهد. این حادثه سبب شد که تفکر سلفی جهادی، به عنوان یک استراتژی برای مقابله با حضور کفار در منطقه، نمود پیدا کند. در این میان، القاعده با توجه به سوابق مبارزاتی خود در جریان جنگ با کمونیست‌ها در افغانستان، تبدیل به نمود بارز این تفکر در جهان شد و هواداران این دیدگاه در سرتاسر جهان، گروه‌هایی مسلحانه را با این دیدگاه پدید آوردند و اقداماتی را برای ضربه‌زدن به منافع آمریکا در سرتاسر جهان انجام دادند. امروزه افرادی چون عمر عبدالرحمان، ایمن الظواهری، ابویحیی اللیبی، ابومصعب السوری، ابومحمد المقدسی و ابوقتاده الفلستانی از افراد مطرح جریان سلفی جهادی هستند. مهم‌ترین تشکیلات سلفی جهادی در جهان که در سال‌های اخیر به وجود آمدند، عبارت‌اند از: جماعة جند انصار الاسلام در سلیمانیه به رهبری ملا کریکار (اکنون از بین رفته است)، الجماعة السلفیه للدعوة و القتال (الجزایر) و الجماعة المغربیة المقاتلة (این دو هم‌اکنون به شاخه‌ای از القاعده تبدیل شده‌اند)، الجماعة اللیبیة المقاتلة (پس از بازنگری در اصول، شیوه نظامی را کنار گذاشته‌اند)، الجماعة الاسلامیة فی مصر، دولة العراق الاسلامیة (جزوی از القاعده شده است)، جماعة جند انصار الله (رفح و غزه) جماعة شباب المجاهدین (سومالی)، القاعده، جماعة انصار الشریعة (تونس).

این تفکر بر چند پایه استوار است که عبارت‌اند از: توحید حاکمیت، تولا و تبرا و جهاد.

۱. خشونت اسلامی و ثبات رژیم در عربستان سعودی، توماس هگامر، ص ۷۰۱.

دو - اسلام‌گرایی شیعی

گروه‌های شیعه نیز درون خود گرایش‌های مختلفی دارند که عبارت‌اند از:

اول - معترض

آغاز فعالیت اسلام‌گرایان معترض شیعی، در دهه ۱۹۷۰ بود. آنان با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران توانستند دامنه داخلی بیابند و نیروهای معترض شیعی را جذب کنند. جنبش مبلغان طلایه‌دار در قطیف، منظم الثورة الاسلامیه فی جزیره العرب و حزب‌الله حجاز، مهم‌ترین این گروه‌ها بودند.^۱ اما فعالیت آنان کمتر از دو دهه بود؛ زیرا از یک‌سو حکومت، با طرف‌داران این نگاه رفتار خشنی داشت و از سوی دیگر، جنبشی اصلاحی در میان شیعه به وجود آمد و توانست با اقداماتی، امتیازاتی را از حکومت سعودی بگیرد. این عوامل سبب شد که فعالیت جریان معترض، بسیار کم‌رنگ شود.

دوم - میانه‌رو و اصلاح‌گرا

قدرت سرکوبگری دولت سعودی در رویارویی با خیزش‌های اعتراضی اسلام‌گرایان شیعی و سنی، در دهه‌های هفتاد تا نود میلادی از یک‌سو و موقعیت مساعد منطقه‌ای از سوی دیگر، موجب شد بسیاری از این جنبش‌ها در سیاست‌های خود تجدید نظر کرده، به گفت‌وگو با حکومت بپردازند. تبدیل سازمان انقلاب اسلامی به حرکت اصلاحیه، نمونه‌ای از انعطاف در مواضع جنبش‌های شیعی بود که منجر به گفت‌وگوهای ملی با حکومت گردید.^۲

در کنار همه این جریانات، شیعیان لیبرالی نیز وجود دارند. شیعیان لیبرال سکولار، به همان میزان هم‌تایان سنی خود، اقلیتی تقریباً کوچک در جامعه شیعی هستند. گرچه

۱. برآورد استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی - سیاسی)، نجف زراعت‌پیشه، ص ۲۰۴.

۲. شیعیان عربستان، فؤاد ابراهیم، ترجمه سلیمه دارمی و فیروزه میررضوی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۴.

از میان آنها برخی همچون نبیل الخیزی توجه‌های ملی و بین‌المللی را به خود جلب کرده‌اند، به‌طور کلی از نفوذ حاشیه‌ای برخوردارند. با این حجم گسترده از جریانات دینی و مذهبی و غیر مذهبی در فضای عربستان، امکان برقراری ارتباط با برخی از این گروه‌ها وجود دارد.

(و) بافت جمعیتی جوان

اوضاع روز جهانی سبب شده است که جوان سعودی، مطالبات و خواسته‌هایی مانند هم‌سن و سالان خود در گوشه کنار دنیا داشته باشد. دولت سعودی نیز متناسب با این نیاز و با توجه به دیگر شرایط خاص این کشور، زیرساخت‌ها و فضاهایی را برای پاسخ‌گویی به این نیاز ایجاد کرده است که ما در ذیل سه عنوان، بدان می‌پردازیم:

یک - تحصیل

در دو دهه اخیر، سوادآموزی در عربستان و اقبال مردم به مدارس و دانشگاه‌ها رشد چشمگیری داشته است. میزان بی‌سوادی طبق آمارهای رسمی، به نه درصد و غیررسمی به چهارده درصد رسیده است. در حال حاضر، بیش از شش میلیون از جمعیت جوان عربستان در مدارس، و بالغ بر ششصد هزار نفر نیز در دانشگاه‌ها به تحصیل اشتغال دارند و حدود صد هزار نفر از جوانان این کشور در خارج تحصیل می‌کنند. مدارس این کشور به دخترانه و پسرانه و با دو مدیریت جداگانه تقسیم می‌شود. بسیاری از معلمان مدارس، به ویژه اساتید دانشگاه‌های این کشور، از شهروندان دیگر کشورها به‌ویژه مصر و سودان هستند.

هشت دانشگاه دولتی در عربستان فعالیت دارد. گفتنی است که مهم‌ترین آنها دانشگاه ملک سعود ریاض و دانشگاه ملک عبدالعزیز جده است که دانشکده‌های زیادی دارد. برخی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی عربستان، مثل دانشگاه نفت و معدن

ملک فهد در جده، در رشته‌های تخصصی فعالیت دارند. در سال‌های اخیر، عربستان اجازه داده است که مدارس و دانشگاه‌های غیرانتفاعی هم در این کشور شروع به فعالیت نمایند.^۱

دو- تفریح

مردم عربستان، به ویژه جوانان برای تفریح دچار محدودیت‌هایی هستند. برای مثال، اکران فیلم در سینماهای عربستان سعودی، به دلیل آنکه تصور می‌شد برخلاف قوانین اسلامی است، در اوایل ۱۳۵۸ ممنوع شد، و اولین سالن سینما سال ۱۳۸۴ که فقط به اکران فیلم‌های کارتونی برای زنان و کودکان اقدام می‌کند، در یک هتل در ریاض آغاز به کار کرد. فیلم‌های تولیدی عربستان نیز فقط در جشنواره‌های خارجی اجازه اکران دارند. گذشته از سینما، ورزش نیز در عربستان، دست کم برای بانوان با محدودیت روبه‌روست. دیده‌بان حقوق بشر، در گزارش سالانه خود آورده است:

میلیون‌ها دختر سعودی از ورزش کردن در مدارس منع می‌شوند و شرکت زنان در ورزش‌های گروهی نیز ممنوع است. دسترسی به امکانات ورزشی، از جمله ورزشگاه‌ها و استخرهای شنا نیز برای زنان ممکن نیست.^۲

با این حال، فوتبال در عربستان طرفداران بسیاری دارد و عربستان در مسئله فوتبال، شدیداً در جست‌وجوی یافتن جایگاه جهانی و جلب توجه افکار عمومی است؛ به طوری که برای برگزاری مسابقات بین‌قاره‌ای در سال ۷۶، تنها دو میلیون دلار جایزه تیم‌های اول تا چهارم این مسابقات می‌شد که تماماً توسط عربستان پرداخت گردید.^۳

۱. آشنایی با عربستان، عبدالله نصیری، ۱۳۸۶، ص ۵۵.

۲. پایگاه خبری آوا پرس.

۳. الاخوان المسلمون فی الخلیج، ص ۲۰۷.

سه - ارتباطات

با اینکه سینما در عربستان با محدودیت روبه‌روست، شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت در عربستان بسیار طرف دار دارد. آمارها نیز این مطلب را تأیید می‌کنند. براساس آمار سایت «Internet World Stats» تعداد کاربران اینترنت در عربستان تا سال ۲۰۱۰ میلادی، سیزده میلیون نفر تخمین زده شده است و ضریب نفوذ اینترنت در عربستان ۷/۴۹ درصد است. تعداد کاربران عضو فیس‌بوک نیز حدود شش میلیون نفر است.^۱

با توجه به این نکته و انبوه تالارهای گفت‌وگو و سایت‌هایی نظیر فیس‌بوک و... امکان ارتباط با بدنه جوان سعودی به راحتی وجود دارد.

در ارزیابی نهایی می‌توان گفت که راه‌های ارتباطی با جامعه سعودی، فراوان است و البته، مواجهه و تعامل با این جامعه، حساسیت و ظرافت بالایی را می‌طلبد. موقعیت مالی مناسب، مذهب خاص و اوضاع ویژه فرهنگی، اجتماعی و دینی تا حدودی سبب شده است که مردم عربستان خود را در موقعیت برتری نسبت به دیگر مسلمانان بدانند. این امر، تا حدودی کار را دشوار می‌کند؛ اما موقعیت‌های مناسبی را نیز فراهم می‌آورد. شاید به دلیل همین حس باشد که برخی از مشاغل در عربستان، چندان طرف‌دار ندارد و همین نکته، فضا را برای نفوذ در جامعه عربستان فراهم می‌کند.

۳. پیام‌دهنده

در بخش پیش تا حدودی با پیام‌گیرنده آشنا شدیم. هدف ما این بود که هم با برخی از مشخصات جامعه سعودی آشنا شویم و هم بتوانیم سرشاخه‌های مناسبی را برای ارتباط بیابیم و معرفی کنیم.

حال در این بخش، به این موضوع می‌پردازیم که انتقال پیام از سوی چه کسانی و

۱. پایگاه اینترنتی نشنال ورلد استیت.

با چه امکاناتی می‌تواند صورت پذیرد. شاید برخی از این عناوین، در نگاه نخست، ارتباط مستقیمی با بحث صدور انقلاب نداشته باشد؛ اما ما برای انتقال پیام انقلاب، ناگزیر از برقراری ارتباط هستیم. این ارتباط یا به صورت فیزیکی است؛ یعنی یا عناصر متدین و انقلابی تحت عناوین گوناگون در آن سرزمین حضور یابند، یا مردمان آن سرزمین به بهانه‌ها و عناوین مختلف به ایران بیایند، یا به صورت مجازی است. ما در این بخش، به زمینه‌های می‌پردازیم که برقراری این ارتباط را محقق می‌سازد:

الف) اهل سنت ایران

اهل سنت ایران جمعیت قابل توجهی را تشکیل می‌دهند که به‌رغم تلاش دشمن، طی سال‌های پس از انقلاب برای جداکردن آنان از صف نظام، دلباخته انقلاب و رهبری هستند و در مواقع بحرانی، مانند جنگ یا ناآرامی‌های کردستان، وفاداری خود را به نظام ثابت کرده‌اند. اهل سنت، به‌ویژه عالمان آنان می‌توانند از بهترین کانال‌های ارتباطی باشند؛ چراکه با مردم عربستان و عالمان آن سرزمین، قرابت مذهبی بیشتری دارند و اگر احیاناً نگاه منفی به شیعیان ایرانی وجود دارد، درباره آنان از حیث شیعه‌بودن، حساسیتی نیست و نوعی اشتراک مذهبی بیشتر بین آنان و عالمان و مردمان عربستانی وجود دارد.

ب) افغانی‌های مقیم ایران

با آغاز تهاجم شوروی به خاک افغانستان، زیادی افغانی‌های زیادی به کشور ما مهاجرت کردند و در بسیاری از شادی‌ها و غم‌ها در کنار هم کیشان ایرانی خود بودند. بسیاری از آنان در داخل ایران، در حوزه یا دانشگاه تحصیل کردند و مدارج علمی را پیمودند و برخی از همین دانش‌آموختگان، اکنون در افغانستان در پست‌های مهم به کار مشغول‌اند. این همه فرد تحصیل کرده که از امکانات جمهوری اسلامی بهره بردند، می‌توانند

به عنوان بازوهای فرهنگی نظام جمهوری اسلامی در عربستان فعالیت کنند. اهمیت این گروه بدین سبب است که افغانی‌های بسیاری در عربستان، به کار و زندگی مشغول‌اند. می‌توان با به‌کارگیری افغانی‌های مقیم ایران، از آنان خواست که با هم‌وطنان خود در عربستان ارتباط برقرار، و سخنان خود را به آنان منتقل کنند. افغانی‌های مقیم عربستان می‌توانند پل رابطی برای انتقال مفاهیم مد نظر انقلاب به درون خانه عربستان باشند.

ج) عرب‌زبانان

ابزار مهم در ارتباط با مردم عربستان، زبان است. البته فقط دانستن زبان کافی نیست، بلکه رشد و پرورش در یک محیط عربی و آشنایی با رسم و رسوم ویژه عرب‌ها و قواعد حاکم بر قبیله و ارتباطات درون قبیله‌ای در ایجاد ارتباط مؤثر است و افرادی که در خوزستان زندگی کرده‌اند، بیشتر با این فضا آشنا هستند. استفاده از ظرفیت اندیشمندان و نخبگان عرب‌زبان ایرانی، برای ایجاد ارتباط و تعامل، مناسب است.

د) حوزه‌های علمیه

نقاط تقابل بسیاری بین ایران و عربستان هست که بیشتر آنها ریشه در مسائل مذهبی دارد. بسیاری از این تقابل‌ها به دلیل وجود سوءتفاهم‌هایی است که وجود دارد. این سوءتفاهم‌ها باید برطرف شود تا فضای ارتباط و تعامل ایجاد گردد. در گذشته نیز چنین ارتباطاتی وجود داشته است و عالمان یک مذهب اسلامی نزد عالمان یک مذهب دیگر تحصیل می‌کردند و گاه کتاب‌های یکدیگر را نقد می‌کردند. در سایه همین نقد و ابرام‌ها و حضور در مجامع علمی یکدیگر، هم علوم رشد می‌کرد و هم سوءتفاهم‌ها برطرف می‌گردید. حوزه‌های علمیه در روزگار کنونی، می‌توانند این نقش فراموش‌شده را احیا کنند؛ یعنی متولیان حوزه علمیه باید با مراکز علمی وهابی در عربستان دست به تعامل علمی بزنند. این تعامل علمی می‌تواند به گونه‌های مختلف تحقق پیدا کند. ایجاد کرسی

شیعه‌شناسی در عربستان و کرسی وهابیت‌شناسی در حوزه علمیه قم، اعطای فرصت‌های مطالعاتی متقابل، اهدای کتاب به مراکز علمی عربستان و بالعکس، شرکت در همایش‌های بین‌المللی در عربستان و بالعکس و ارائه مقالات، توجه فعالانه به مناظره‌های مکتوب و احیای سنت نقد، بخشی از شیوه‌هایی است که حوزه‌های علمیه باید بدان توجه داشته باشد.

ه) دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی

عربستان در بخش‌های مختلف آموزشی خود با کمبود استاد و کادر علمی قوی مواجه است و اکنون، این نیاز را از کشورهای دیگر تأمین می‌کند. با توجه به رشد قابل توجه علمی ایران در سال‌های اخیر، ایران می‌تواند این نیاز را برطرف کند و علاوه بر این، ایران با برخورداری از مراکز علمی معتبر فراوان می‌تواند پذیرای دانشجویان عربستانی باشد. هزینه پایین تحصیل در ایران و اعتبار و سطح بالای علمی ایران، می‌تواند مشوق خوبی برای دانشجویان سعودی برای تحصیل در ایران باشد. علاوه بر این، فاصله نزدیک این دو کشور با هم و قرابت‌های فراوان تاریخی و فرهنگی می‌تواند میزان علاقه‌مندی را برای تحصیل در ایران افزایش دهد.

و) وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی

نیازهای عربستان در حوزه سلامت و بهداشت سبب شده است که این کشور برای رفع این نیازها اقدام به جذب متخصصان از کشورهای مختلف کند. برخی از شرکت‌های بین‌المللی نیز با درک این نیاز، اقدام به تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای عربستان کرده‌اند که از جمله می‌توان به شرکت چینی «هنان» اشاره کرد.

با توجه به این نیاز عربستان و با توجه به توان پزشکی بالای ایران و نیروهای متخصص و کارآمد ایرانی، وزارت بهداشت می‌تواند از این فرصت استفاده کند و اقدام به اعزام نیروی پزشکی به عربستان نماید.

ز) وزارت ورزش و جوانان

همان طور که گفته شد، جوانان بخش زیادی از جامعه عربستان را تشکیل می دهند و همین امر، فرصت های زیادی را در اختیار وزرات ورزش و جوانان قرار می دهد. ارتباطات ورزشی، بخشی از این فرصت هاست. حضور بازیکنان ایرانی در تیم های سعودی و دعوت از بازیکنان سعودی برای حضور در تیم های ایرانی، فرصتی را برای تعامل و انتقال پیام ایجاد می کند. علاوه بر آن، ایجاد انجمن های دوستی میان جوانان ایرانی و سعودی و فعال کردن سمن های علاقه مند به این کار و حمایت از آنان، ضمن آنکه کار را از دولتی و حکومتی بودن خارج می کند، منجر به ایجاد ارتباط با بخش مؤثر جامعه سعودی می شود.

ح) سازمان گردشگری و میراث فرهنگی

نیاز به تفریح در میان مردم عربستان وجود دارد، و ایران نیز از ظرفیت های بسیاری برای پذیرش گردشگر برخوردار است. بخشی از این جاذبه ها عبارت اند از:

اول - جاذبه پزشکی: ایران مراکز مجهز پزشکی دارد و از کادر متخصص درمانی برخوردار است و می تواند مقصد بیماران خارجی برای درمان باشد. چشمه های معدنی و در کنار آن، سابقه طولانی طب سنتی و حضور پزشکان حاذق در این طب، ظرفیت عظیمی را ایجاد کرده است.

دوم - جاذبه طبیعی: وجود کوهستان های زیبا و سر به فلک کشیده، جنگل های زیبا، مراتع چشم نواز، رودخانه های خروشان و آبشارهای فرح بخش، باغ های پرمیوه و بیلاق های سرسبز، دریاچه های پرموج و تفرج گاه های روح پرور، استخرها، آسیاب ها و روستاهای دل انگیز، همه و همه فضایی خاطره انگیز و دلربا برای ساکنان سرزمینی است که بیش از هر چیز دیگر، چشمشان به بیابان های خشک عادت کرده است.

سوم - گردشگری دریایی: با اینکه عربستان خود وصل به دریاست، سواحل و جزایر

ایرانی، هم ابعاد گسترده‌ای برای سرمایه‌گذاری دارد و هم از جذابیت بالای توریستی برخوردار است. امروزه در بیشتر کشورهای دنیا توجه به تورهای دریایی، حمل نقل دریایی، ورزش‌ها و تفریحات آبی، غواصی و سایر سرگرمی‌های مرتبط با ساحل و فراساحل، در صدر برنامه‌های گردشگری قرار دارد.

چهارم - گردشگری مناسبی: برخی از کشورها، با ایجاد جذابیت‌های لازم، برخی از مناسبت‌های دینی را به فرصتی برای جذب گردشگر تبدیل کرده‌اند. برای مثال، جشنواره‌های رمضان، که چند سالی است به میزبانی شهرهای کشورهای مسلمان باب شده، پذیرایی از گردشگران با منوی «غذاهای ویژه رمضان» و به راه انداختن جشنواره‌های متنوع، از جمله جشنواره‌های خرید و سرگرمی، از برنامه‌هایی است که برای گردشگران تدارک دیده شده و تا هنگامه سحر ادامه می‌یابد. ارائه تخفیفات ویژه از هتل گرفته تا خدمات حمل و نقل و برگزاری جشنواره‌ها از دیگر راه‌های جذب گردشگران است که کشورهایی چون امارات، ترکیه و مالزی این شیوه را آزموده‌اند. حتی کشور مصر نیز تا چندی پیش از تحولات سیاسی در این کشور، جشنواره‌های ویژه ماه رمضان بر پا می‌کرد و به نتایج موفقیت‌آمیزی رسید. ایران نیز می‌تواند از این فرصت و دیگر مناسبت‌های مذهبی استفاده کند.

پنجم - جاذبه‌های تاریخی: ایران جاذبه‌های تاریخی بسیاری دارد که مربوط به ادوار مختلف تاریخی پیش از اسلام و پس از آن است، و این جاذبه‌ها می‌تواند بخشی از مردم را جذب کند.

ط) بخش‌های اقتصادی

ارتباطات اقتصادی، همواره با خود ظرفیت تعامل فرهنگی نیز داشته است. ثروتمندان عربستان، به دنبال سرمایه‌گذاری و افزایش دارایی‌های خود هستند و این

هدف، می‌تواند به دست متخصصان خبره ایرانی، در بخش‌های مختلف اقتصادی و صنعتی تحقق یابد. ایران از ظرفیت مهندسی بالا در صنایع مربوط به نفت و کشاورزی و معدن برخوردار است و توان پاسخ‌گویی به این بازار را دارد.

ی) فضای مجازی

همان‌طور که اشاره شد، اینترنت در عربستان از ضریب نفوذ بالایی برخوردار است و بیشتر سایت‌ها در عربستان در دسترس است. همین امر، بستر مناسبی را برای ایجاد ارتباط فراهم می‌کند. یکی از این بسترها، شبکه‌های مجازی است. فضایی مانند فیس‌بوک، با جذابیت‌های خاص خود، کارکرد رسانه‌ای گسترده‌ای دارد؛ زیرا به طور هم‌زمان چندین نقش را ایفا می‌کند که عبارتند از:

- جریانی آسان، به‌روز و کم‌هزینه برای برقراری ارتباط مردم با یکدیگر ایجاد کرده است؛

- ارتباطی واقعی است که همچون تلویزیون، رادیو و مطبوعات، از مجرای یک

واسطه صورت نمی‌گیرد؛

- همه کاربران می‌توانند در انتقال اخبار و ایده‌ها مشارکت داشته باشند؛

- ویدئوها و تصاویر زیادی از رویدادها و اخبار، به صورت آنلاین در اختیار مردم

قرار می‌گیرد و در نهایت، جایی برای هدایت افکار عمومی، از طریق ارائه اخبار

گزینشی از سوی منابع رسمی وجود ندارد.

در کنار شبکه‌های اجتماعی نباید از تأثیر تالارهای گفت‌وگو و وبلاگ‌ها نیز غافل شد.

ک) رسانه‌های عربستان

همان‌طور که گفتیم، در عربستان گروه‌های مختلفی با سلاقی مختلف، حضور دارند. این

گروه‌ها هر یک دارای رسانه‌اند که می‌توان از این رسانه‌ها استفاده کرد. ارسال مقاله و یادداشت

برای چاپ در روزنامه‌های آنان یا برقراری تماس با رادیو و تلویزیون‌های سعودی و برقراری ارتباط با نویسندگان فعال سعودی، می‌تواند در تحقق هدف ما مؤثر باشد.

نتیجه

عربستان ظرفیت بالایی برای پذیرش پیام‌های انقلاب دارد و افراد اثرگذار در جامعه عربستان نیز بسیارند که می‌توان با آنان ارتباط برقرار کرد. خاندان بیست هزار نفری آل سعود، بزرگان و افراد متنفذ قبایل، فعالان عرصه اقتصادی، عالمان و طلاب دینی، مراکز دانشگاهی، نخبگان و فعالان رسانه‌ای همه می‌توانند کانالی برای ارتباط باشند. پیام‌های انقلاب در زمینه معنویت و عرفان، حقوق زنان، آزادی‌های اجتماعی و سیاسی و نفسی نظام سلطه، همگی برای جامعه عربستان که سال‌ها از این مسائل محروم نگه داشته شده‌اند، جذاب است و مسلماً با استقبال عمومی روبه‌رو می‌شود. بی‌تردید طرح این مطالب، با استفاده از پشتوانه دینی مورد پذیرش در عربستان، این جذابیت را افزایش خواهد داد. البته دشواری‌ها و موانعی نیز در این مسیر وجود دارد که با درایت و صبر حل‌شدنی است. شتاب‌زدگی، تکیه بر مسائل تفرقه‌افکنانه، تکیه بر آموزه‌های خاص شیعه، در نظر نگرفتن آداب و رسوم و هنجارهای جامعه سعودی، ایجاد ارتباط با اپوزیسیون سعودی، بخشی از آفاتی است که متصدیان و علاقه‌مندان به صدور انقلاب باید بدان توجه داشته باشند.

منابع

۱. آشنایی با عربستان، عبدالله نصیری، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۶.
۲. الإخوان المسلمون فی الخلیج، گروه نویسندگان، مرکز المسبار للدراسات و البحوث، دبي، الإمارات العربیه المتحدہ، ۲۰۱۱.
۳. اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی، مترجم محسن یوسفی، مؤسسه ابرار معاصر تهران، فروردین ۱۳۸۶.
۴. برآورد استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی - سیاسی)، نجف زراعت‌پیشه، مؤسسه ابرار معاصر تهران.
۵. تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ترجمه جواد طباطبایی، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۰.
۶. حج ۲۵ (گزارشی از حج‌گزاری ۱۴۲۵ ق: ۱۳۸۳ ش)، رضا مختاری، نشر مشعر، ۱۳۸۳.
۷. حکومت، جامعه و اقتصاد در عربستان سعودی، تیم نیبلک، نیویورک، انتشارات سنت مارتین، ۱۹۸۲.
۸. خشونت اسلامی و ثبات رژیم در عربستان سعودی، توماس هگامر، امور بین‌الملل، ۲۰۰۸.
۹. ره توشه حج، لاهیجی و دیگران، ج ۱، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۶.
۱۰. زمن الصحوه: الحركات الاسلاميه المعاصره فی السعودیه، استيفان لاکروا، الترجمة بإشراف، عبدالحق الزموری، الطبعة الأولى، بیروت، ۲۰۱۲.
۱۱. ساختار حکومت و بحران مشروعیت در عربستان سعودی، حسن گلیوند درویش‌وند، تهران، دانشکده وزارت خارجه، ۱۳۷۶.
۱۲. ساختار سیاسی قدرت در عربستان سعودی: دورنمای تحولات، کامران کرمی، تهران، مرکز

- مطالعات بین‌المللی صلح، ۱۳۸۹.
۱۳. شیعیان عربستان، فؤاد ابراهیم، ترجمه سلیمه دارمی و فیروزه میررضوی، تهران، مؤسسه ابرار معاصر، ۱۳۸۶.
۱۴. صحیفه امام، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.
۱۵. فصلنامه میقات حج، گروه نویسندگان، سال ششم، شماره بیست و دوم، زمستان ۱۳۷۶.
۱۶. منظمه الثورة الاسلامیه فی الجزیره العربیه، مترجم شاکر کسرائی، قیام کعبه سرآغاز خونین، تهران، انتشارات نو، ۱۳۶۰.
۱۷. هیئت کبار العلماء، فتاوی، مکتبه التراث الاسلامی، القاهره (بی‌تا).

18. <http://avapress.com/vdceeoq0.2bq1s8laa2.html>

19. <http://www.internetworldstats.com/middle.htm#sa>

